

بررسی رفتار نمود ناقص در زبان کردی (گوش کله‌ری)

واژگان کلیدی

- * نمود ناقص
- * نمود دستوری
- * نمود موقعیتی
- * نمود استمراری
- * زبان کردی

فاطمه ناصری * naserifa@yahoo.com

کارشناس ارشد زبانشناسی همگانی

چکیده

نمود حاصل تلفیق اطلاعات زمانی و زاویه دید است. از طریق نمود است که می‌توان در مورد انواع موقعیت‌ها و نمود دستوری که بر روی تمام یا بخشی از موقعیت متمرکز است، صحبت کرد. آثار فراوانی در زمینه نمود وجود دارد که در جای خود ارزشمند هستند اما این آثار اکثراً فاقد چارچوب نظری جامع و منسجم می‌باشند. آنچه نویسنده را به بررسی و تفحص در این زمینه واداشته بررسی نسبتاً مفصل این نوع نمود می‌باشد و در این پژوهش تمرکز اصلی بر روی نمود ناقص با به کارگیری مولفه‌های نمودی در قالب چارچوب نظری اسمیت (۱۹۷۷: ۴۷-۲۵) و کامری (۱۹۶۷: ۲۷) به روش توصیفی - تحلیلی در زبان کردی کله‌ری می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد سه گونه نمود ناقص (استمراری، تکویری و عاداتی) براساس دسته بندی کامری (همان) در زبان مورد مطالعه در دو زمان حال و گذشته ساده قابل تفکیک می‌باشد. نتایج نشان می‌دهند که نمود دیدگاهی ناقص در سه حالت استمراری، تکویری و عاداتی در زبان کردی کله‌ری در زمان حال به کمک فعل کمکی (شناسه dir) و قیود محسوس تر نشان داده می‌شوند، همچنین زمان گذشته برای بیان نمود ناقص می‌تواند بی‌نشان‌ترین زمان باشد.

۱- مقدمه

نمود مقوله ای معناشناختی است که به زمان درونی فعل اشاره دارد. تفاوت نمود با زمان دستوری این است که اولی زمان درونی یک موقعیت را نشان می‌دهد و دومی به عنوان یک مقوله نمایه‌ای به زمان بیرونی رخداد اشاره دارد (کامری ۱۹۷۶:۷) برخی نمود را مقوله‌ای معناشناختی در نگرش به ساختار درونی فعل می‌دانند. (نمود از مقولات معناشناختی است که اساس کار بسیاری از زبان‌شناسان قرار گرفته است (Lyons, J. 1977, Vendler, Z. 1967, Verkuyl, H.J., Langacker, R.W. 1982, Johnson, M. 1981, Dowty, D.R. 1979, Croft, W. 2012, Travis, D. L. 2010, Givon, T. 2001, De Swart, H. 1999 1993). علی‌رغم اختلافات جزئی در تعریف نمود از سوی زبان‌شناسان مختلف، آن‌ها نمود را مجموعه‌ای از نگرش‌های گوناگون به ظرفیت درونی فعل در انتقال مفهوم زمان می‌دانند (Frawly, W, Comrie 1976:3, Vendler, Z. 1967:97, Verkuyl, H.J. 1993:5). در واقع این نشان‌دهنده‌ی تحقق رخداد بدون توجه به زمان بیرونی است. برخی دیگر (Davidson, D. 2001, Dowty, D.R. 1979, Vendler, Z. 1967) نمود را بازنمایی رخدادهای موجود در جهان هستی می‌دانند.

در واقع نمود، مجموعه‌ای از نگرش‌های گوناگون به ظرفیت درونی فعل در انتقال مفهوم زمان است (کامری، ۱۹۸۰، ۳). مبحث نمود، زمان دستوری را از زمان غیر دستوری متمایز می‌سازد زیرا گاهی زمان دستوری فعل با زمان انجام فعل منطبق نیست. بنابراین معنای نمودی با دو نوع اطلاعات در ارتباط است: ۱- موقعیتی که از یک جنبه خاص یا با نمود دیدگاهی بیان می‌شود و ۲- موقعیتی که به طور غیرمستقیم به عنوان حالت یا رخداد آن گونه، شناخته می‌شود. نمود دیدگاهی نیز خود بر دو قسم کامل و ناقص است.

نمود استمراری که نوعی از نوع ناقص است بیانگر تداوم یا در حال انجام بودن یک عمل است. بیشتر دستورنویسان بین استمرار، عادت و تکرار تمایزی قائل نشده‌اند. از آنجاکه تاکنون در زبان کردی پژوهشی در رابطه با مقوله نمود استمراری صورت نگرفته است ناگزیر به پیشینه بررسی‌های انجام شده بر روی زبان فارسی پرداخته خواهد شد.

۲- پیشینه تحقیق

استمرار بیانگر تداوم و یا در حال انجام بودن یک عمل است. از آنجا که این مقوله دستوری ارتباط تنگاتنگی با مقوله زمان دارد و به همین دلیل در اغلب دستورهای سنتی و زبان شناختی چندان به عنوان یک نمود دستوری مورد توجه قرار نگرفته است. در واقع، نمودهای

مختلف تحت عنوان زمان معرفی شده اند. به عنوان نمونه، در کتب دستور فارسی چهار نوع زمان گذشته؛ شامل ماضی مطلق، ماضی استمراری، ماضی بعید و ماضی نقلی معرفی شده است. که از سوی محققینی چون شفایی (۱۳۶۳: ۴۵) رد شد زیرا وی وجود چهار زمان گذشته را غیرممکن می‌داند. از میان دستور نویسان فارسی شفایی (۱۳۶۳: ۱۲۹) از نخستین دستورنویسانی است که به تمایز میان نمود و زمان اشاره کرده است هرچند که اصطلاح ویژه‌ای برای نمود به کار نبرد. به دلیل ماهیت پیچیده نمود و ارتباط تنگاتنگ آن با زمان و عدم تطابق صوری و معنایی، دستور نویسان نظرات متفاوتی را در مورد این مفهوم و انواع آن مطرح ساخته اند. به عنوان نمونه بسیاری از دستور نویسان مضارع را حال ساده و ماضی مطلق را گذشته ساده نامیده اند (شریعت ۱۳۶۴: ۲۸) که از آن‌ها اینگونه استنتاج میشود که نمود این دو یکسان بوده و تنها تفاوت در زمان آنهاست. با این حال، واقعیت این است که صورت های حال ساده و گذشته ساده دارای نمود یکسان نیستند؛ زیرا در صورت گذشته فعل پایان یافته و دارای نمود کامل است و در صورت حال بسیاری از دستورنویسان و زبانشناسان ایرانی تعریف دقیق و کاملی از استمرار به دست نداده اند و گاهی مفهوم استمرار با تکرار عادت ترکیب شده اند. خانلری (۱۳۶۶: ۳۴) فعل استمراری را فعلی می‌داند که وقوع آن مدتی دوام یا استمرار داشته باشد. شریعت (۱۳۶۴: ۱۴۷) نیز نمود استمراری را بیانگر کاری دانسته است که بطور مکرر تکرار شده باشد. در دستور پنج استاد (قریب و دیگران ۱۳۷۳: ۱۹۳) هم ماضی استمراری را به عنوان صدور فعل به صورت استمرار و تکرار و تدریج دانسته اند. بنابراین می‌بینیم که دستورنویسان بین استمرار و تکرار و عادت تمایزی قائل نشده اند و این امر ناشی از معانی متفاوت پیشوند «می» است. در واقع، در زبان عادت و تدریجی از نظر صوری دارای تمایز مشخصی نیستند. در فارسی مفاهیم نمودی استمراری، تکراری عادت و تدریجی از نظر صوری دارای تمایز مشخصی نیستند. با این حال نمی‌توان گفت که این نوع مفاهیم نمودی در زبان فارسی وجود ندارند؛ زیرا در بافت گفتمان از نظر معنایی قابل تشخیص می‌باشند.

علی‌رغم پیشینه و توصیف تکواژ «می» به صورت های مختلف در زبان فارسی «می» اصلی‌ترین تکواژ استمراری‌ساز می‌باشد. قمشی (۲۷: ۲۰۰۱) می‌را نشانهٔ تداوم یک رخداد می‌داند. طالقانی (۲۰۰۸: ۹) این عنصر دستوری را نشانه نمود دانسته و از نظر معنایی آن را بیانگر نمود عادت و تداومی می‌داند. ماهوتیان (۱۳۸۳: ۲۲۸) این پیشوند را به عنوان نشانه نمود استمراری، تکراری و عادت و نظر گرفته. برخی از دستور نویسان و زبان شناسان بدون

توجه به معانی مختلف این پیشوند فعلی آنرا فقط نشانه نموداستمراری پنداشته اند. به عنوان نمونه رحیمیان (۱۳۸۶ الف: ۲۴۸) اظهار داشته است که هر فعلی همراه این پیشوند ظاهر شود، استمراری است.

در این میان امانی بآبادی (۱۳۹۲: ۲۶) به بررسی انواع نمود دستوری از رویکرد کامری در گویش لری بختیاری پرداخته است. رضایی (۱-۱۳۹۱: ۱۴) به بررسی نمود استمراری در فارسی معاصر پرداخته است، وی ضمن اشاره به پیشینه نمود استمراری در کتابهای دستور و آثار زبان‌شناسان، بیان کرده است که پیشوند فعلی می در زمان حال به تنهایی نمی تواند نشانه استمرار باشد بلکه از آن مفاهیم دیگری نظیر عادت، تکراری و استمراری بودن نیز مستفاد می شود. نغزگوی کهن (۹۳-۱۳۸۹: ۱۱۰) مفهوم نمود را به نمایش می گذارند و بر همین اساس مفهوم معین را برای انواع ناقص، کامل، تقریب و آغازی تقسیم کرده است. مجیدی (۱۳۸۸: ۱۴۸) نیز نمود را نحوی بر شمرده است، نمود نحوی به باور نویسنده آن است که فعل، صرف نظر ساختی که دارد در ارتباط با جمله‌ای که در آن به کار رفته است، نمود جدیدی را پیدا کند. از نظر وی تنها نمونه این‌گونه در زبان فارسی، نمود عادت^۱ است. در این حالت، نحو جمله‌ای دارای قید یا قید گونه‌ی تکرار است و در ماهیت فعل مضارع اخباری تغییری ایجاد می‌کند و به آن ماهیت عادت می‌دهد. فرشیدورد (۴: ۱۳۸۳) نشان داده است، پیشوند «می» از قدیم در زبان فارسی بر استمرار و عمل در جریان دلالت کرده است. با این حال در فارسی امروز معنای استمرار این پیشوند تضعیف شده است و علاوه بر استمرار بر معانی دیگری نظیر نمود ناقص، تکرار و عادت نیز دلالت می‌نماید. وحیدیان و عمرانی (۲۵: ۱۳۷۹) ضعیف شدن این تکواژ در زمان حال را بسیار آشکارتر دانسته‌اند. در واقع، در زمان حال، این پیشوند را تنها در جایی که قید خاصی در جمله باشد و یا قرائنی مبنی بر انجام همزمان عمل و بیان جمله وجود داشته باشد می‌توان نشان دهنده استمرار دانست.

۳- چارچوب نظری

۳-۱- رویکرد اسمیت (۱۹۹۷)

اسمیت (۱۹۷۷: ۴۷-۲۵) از جمله کسانی است که پس از وندلر (۱۹۶۷: ۴۵) به طبقه‌بندی نمود واژگانی پرداخت. وی نمود واژگانی را مستتر در معنای واژه‌های خاص می‌دانست و در این واژه‌ها ذاتی بودن را یک ویژگی اصلی می‌دانست همانند قیود، فعل‌ها و سایر اجزاء جمله. البته

نمود واژگانی خود به وسیله‌ی فعل‌های واژگانی در جمله‌واره ایجاد می‌شود که آن‌ها را نموده‌های موقعیتی می‌گویند. از دیدگاه وی تئوری نمود یک تئوری دو بخشی است زیرا هم به انواع موقعیت و هم به نمود دیدگاهی اشاره دارد، هرچند که نمود پارامتری است که در زبان‌های مختلف دنیا به طور متفاوتی فهمیده می‌شود. به طور کل پنج نوع موقعیت را می‌توان بر اساس سه ویژگی [±پویایی]، [±تداومی] و [±اتمام‌پذیری] را از هم متمایز کرد:

۱-۱-۳- ایستایی: ایستایی‌ها موقعیت‌هایی هستند که برای یک لحظه یا در یک فاصله زمانی می‌آیند. آن‌ها دارای ویژگی‌های زمانی [-پویایی] و [+تداومی] هستند. نمونه‌های برجسته از این نوع [صاحب مزرعه بودن]، [قد بلند بودن]، [اعتقاد داشتن] است. ایستایی‌ها دارای ویژگی تداومی‌اند حتی آن‌هایی که موقت هستند (اسمیت، ۱۹۹۷، ۳۲)، مثل جمله زیر:

- روز گذشته دما ۳۹ بود.

در ایستایی‌ها، حالت‌ها شامل یک دوره بدون تغییر با ساختاری داخلی هستند و هیچگونه پویایی ندارند و نیازمند یک عامل خارجی برای تغییر می‌باشند. نقطه آغازی و پایانی خود بخشی از حالت نیستند، بلکه آن‌ها موقعیت‌های متفاوتی‌اند که تغییر در حالت را ایجاد می‌کنند. طرحواره زمانی ایستایی‌ها (F) (I) —————

(smith, 1997, 32)

۲-۱-۳- فعالیتی: فعالیتی‌ها موقعیت‌هایی هستند، شامل فرآیندهای ذهنی و جسمانی می‌شوند. آن‌ها دارای ویژگی‌های زمانی [+پویایی]، [-اتمام‌پذیری] و [+تداومی] هستند. نمونه‌های برجسته از فعالیتی‌ها مثل [لذت بردن]، [قدم زدن در پارک]، [خندیدن]، [فکر کردن در مورد...] است. طرحواره زمانی آن‌ها به صورت زیر می‌باشد:

طرحواره زمانی فعالیتی‌ها I.....F_{Arb}

(smith, 1997, 23)

فعالیتی‌ها پایان طبیعی ندارند و دارای پایانی اختیاری هستند. نقطه پایانی اختیاری فعالیتی‌ها به صورت صریح یا ضمنی بیان می‌شود. فعالیتی‌ها پایان می‌یابند یا متوقف می‌شوند اما تکمیل نمی‌شوند، زیرا تکمیل شدن با فرایند رخداد ناسازگار است.

۳-۱-۳- تحققی: تحققی‌ها دارای فرایند و نتیجه یا تغییر حالت هستند. تغییر در تمام فرایند روی می‌دهد. تحققی‌ها محدود یا ذاتا مقید هستند. آن‌ها دارای ویژگی‌های زمانی [+پویا]، [+تمام‌پذیری] و [+تداومی] هستند. مثال‌های برجسته از این نوع [ساختن پل]، [رفتن به مدرسه] و [نوشیدن یک لیوان آب] است. تحققی‌ها دارای مراحل متوالی هستند که در آن‌ها

فرایندهای تحقیقی دارای مراحل متوالی هستند و فرایند به سمت یک نقطه پایانی پیش می‌رود. آن‌ها به یک حالت جدید منتج می‌شوند. وقتی یک فرایند نتیجه‌ای دارای نقطه پایانی طبیعی است، رخداد کامل می‌شود و نمی‌تواند ادامه یابد. مثلاً اگر شما به مدرسه می‌روید و به آنجا رسیدید، رخداد کامل شده است. شما نمی‌توانید آن را تداوم ببخشید. تحقیقی‌ها تمام یا کامل می‌شوند در حالیکه فعالیت‌ها متوقف یا پایان می‌یابند. طرحواره زمانی تحقیقی‌ها را کامل می‌کند.

طرحواره زمانی تحقیقی‌ها I.....F_{NATR}

(smith,1997,26)

۴-۱-۳- **لمحه‌ای:** لمحه‌ای‌ها رخدادهای تک مرحله‌ای بدون نتیجه یا فرایند هستند. آن‌ها دارای ویژگی [+پویایی]، [-اتمام پذیری] و [-تداومی] هستند. نمونه برجسته از آن‌ها [در زدن]، [سکسکه کردن] و [پرزدن] است. لمحه‌ای‌ها ساده‌ترین نوع رخداد هستند و فقط شامل یک رخداد هستند. در طرحواره زمانی لمحه‌ای‌ها E نشان دهنده‌ی یک رخداد تک مرحله‌ای است.

طرحواره زمانی لحظه‌ای: E (smith,1997,29)

چون که لحظه‌ای‌ها رخدادهای تک مرحله‌ای هستند، آنها ذاتاً مقیدند. رخدادهای تک مرحله‌ای از لحاظ مفهومی ناگهانی هستند. آن‌ها ممکن است شامل یک دوره‌ی زمانی قابل تشخیص باشند اما این همیشه صحت ندارد. وقتی فردی سرفه می‌کند یا پرند می‌پرواز می‌کند رخداد برای چند ثانیه متوقف می‌شوند. همچنین آن‌ها به عنوان ناگهانی نیز شناخته می‌شوند و دارای ویژگی‌های دستوری اند که با آنچه شامل تداومی‌ها می‌شود، فرق دارد. این ویژگی برای حصولی‌ها مناسب‌تر است.

موقعیت‌های لحظه‌ای رخدادهایی هستند که خیلی سریع اتفاق می‌افتند، بدون هیچ برآیند یا نتیجه‌ای در اتفاق رخداد. آن‌ها شامل خود رخداد می‌شود مثل [چشمک زدن]، [سرفه زدن]، رخدادهای داخلی در حین صحبت کردن مثل [چشمک زدن] و اعمالی مثل [ضربه زدن]، [نوک زدن]، [خراشیدن] و [لگد زدن] چنین رخدادهایی به صورت متوالی اتفاق می‌افتد. لمحه‌ای‌ها اگر به صورت متوالی تکرار شوند به فعالیت‌ها تبدیل می‌شوند

۵-۱-۴- **دستاوردی:** دستاوردی‌ها رخدادهای نتیجه‌ای هستند که در نتیجه‌ی تغییر حالت اتفاق می‌افتند. آن‌ها دارای اجزاء زمانی [+پویا]، [+اتمام پذیر] و [-تداومی] هستند. نمونه

برجسته از آن‌ها مثل [ترک کردن خانه]، [رسیدن به قله] و [شناختن]، [بردن] و [باختن] است. مراحل اولیه با نتیجه ممکن است با رخداد همراه باشد، اما آن‌ها بخشی از رخداد محسوب نمی‌شوند.

طرحواره زمانی دستاوردی ها: ER..... (smith,1997,29)

نقطه چین‌ها مراحل اولیه و نهایی را نشان می‌دهند. مفهوم دستاوردی‌ها دارای یک تک رخداد است که فرایند همراه، از آن جدا شده، گرچه دستاوردی‌هایی نیز یافت می‌شوند که دارای فرایند همراه هستند. در چنین مواردی رابطه‌ی کل به جزء وجود ندارد. جمله‌های دستاوردی فقط برای لحظه‌ای از رخداد صحت دارد اما در صورت استمراری، دستاوردی نخواهند بود. مانند جملات زیر:

- علی در در مسابقه برنده شد.

- علی داشت مسابقه را می‌برد.

جدول ۱- طبقه‌بندی اسمیت (۱۹۹۷) از موقعیت‌ها براساس ویژگی‌های زمانی

نوع موقعیت	ویژگی‌های زمانی	نمونه
ایستایی	متداوم، تمام‌پذیر (ایستایی‌ها فاقد ویژگی پویایی هستند)	دانستن، عاشق بودن
فعالیتی	پویا، متداوم (فعالیتی‌ها تمام‌پذیر نیستند)	خندیدن، دویدن
تحقیقی	پویا، متداوم، تمام‌پذیر	ساختن، بافتن، پختن
لحظه‌ای	پویا (لحظه‌ای‌ها نه تداوم دارند و نه تمام‌پذیر هستند)	ضربه زدن، چشم زدن
دستاوردی	پویا، تمام‌پذیر (دستاوردی‌ها تداوم ندارند)	بردن در مسابقه، رسیدن به قله، بخشیدن

۲-۲-۳- نمود دیدگاهی (دستوری)

براساس رویکرد اسمیت دو گونه نمود دیدگاهی وجود دارد:

۱-۲-۳- نمود دیدگاهی ناقص

نمود دیدگاهی ناقص متمرکز بر بخشی از موقعیت است که نه شامل نقطه آغازین است و نه نقطه پایانی. این نوع نمود دیدگاهی بر مراحل خارجی موقعیت و مراحل اولیه و نتیجه ای متمرکز است. چنین نمود دیدگاهی بی نشان است. محدوده نمود دیدگاهی ناقص بی نشان به صورت زیر است:

طرحواره زمانی نمود دیدگاهی ناقص:

(smith,1997,73)

I...////... F

نمود دیدگاهی ناقص معمولا به صورت استمراری نشان داده می شود. مثال های (۵۶)

(۵۶- الف) دریا آرام است. (ایستایی- ناقص)

(۵۶- ب) بچه دارد گریه می کند. (فعالیتی- ناقص)

(۵۶- ج) آن ها داشتند خانه می ساختند. (تحقیقی- ناقص)

از آنجاکه حوزه تمرکز نمود دیدگاهی کامل هم نقطه ای آغازی و هم نقطه ای پایانی موقعیت است، این نوع نمود برای ایستایی ها کاربرد ندارد، زیرا نقطه پایانی در طرحواره زمانی غیر ایستایی ظاهر نمی شود. اما برای دیگر انواع موقعیت ها، یعنی فعالیت، تحقیقی، لحظه ای و حصولی کاربرد دارد. زاویه دید کامل گاه اتمام را نشان می دهد و و گاهی تکمیل شدن را، مثلا در جمله علی در استخر شنا می کند (تحقیقی). چنین تفسیرهایی با توجه به ارتباط زاویه دید و نمود از طریق معناست، زیرا اگر جمله اول را به جمله ای مانند: علی در استخر شنا می کند و هنوز هم در استخر است. تبدیل کنیم، تفسیر آن متفاوت خواهد بود.

برخلاف نمود دیدگاهی کامل، نمود دیدگاهی ناقص فقط برای ایستایی ها و استمراری ها بکار می رود و این نوع از نمود دیدگاهی خود به این دو بخش (ناقص و استمراری) تقسیم می شود. اولی برای تمام موقعیت ها کاربرد داشته و دومی فقط برای غیر ایستایی ها.

نمود دیدگاهی استمراری بر مراحل داخلی رخداد های غیر ایستایی دلالت دارد. نمود دیدگاهی استمراری دارای معنایی است که از دیگر انواع نمود های دیدگاهی ناقص گرفته نمی شود. تفاوت میان فعالیت، پویایی بودن و پیچیدگی هایی از این قبیل اغلب مربوط به این نوع نمود دیدگاهی است و از لحاظ زبان شناسی موقعیت های نزدیک به هم را نشان می دهد.

۲-۲-۳ نمود دیدگاهی کامل

نمود دیدگاهی کامل بر کل موقعیت متمرکز است، که هم شامل نقطه آغازین و هم نقطه پایانی موقعیت است. طرحواره عمومی نمود دیدگاهی کامل به صورت زیر است: (smith,1997,66)

طرحواره عمومی نمود دیدگاهی کامل

I F

//////////

(smith,1997,66)

در زبان انگلیسی معمولاً نمود دیدگاهی کامل نمود ساده نیز نامیده می‌شود زیرا توسط شکل ساده‌ای از فعل نشان داده می‌شود. همانند جملات زیر (smith,1997,67)

علی دیروز در استخر شنا کرد. (فعالیتی)

مریم هفته‌ی گذشته نامه‌ای به برادرش نوشت (تحقیقی)

۲-۳-۳ رویکرد کامری (۱۹۷۶)

کامری (۱۹۷۶) نیز از جمله کسانی بود که به طور مفصل به نمودهای دستوری پرداخته است. کامری "نمود" را اینگونه تعریف می‌کند: «نمود راه‌های گوناگون نگرش به ساختار زمانی و درونی یک موقعیت است» (Comrie,1976,3)

وی نمود را راه‌های گوناگون دریافت جریان فرایندها می‌داند. نمود در کنار زمان از جمله مقوله‌های مهم دستوری فعل است (Comrie,1976,3). وی نمود دستوری را از انواع اصلی نمود می‌دانست و به تمایز نمود کامل / ناقص اشاره کرد. از نظر وی نمود کامل یک موقعیت را بطور کلی بدون اشاره به عناصر زمانی درونی آن نشان می‌دهد، در حالی که نمود ناقص به ساختار زمانی درونی موقعیت اشاره می‌کند و آغاز و پایان عمل را مورد نظر قرار نمی‌دهد. وی نمود ناقص را در بر گیرنده چند نوع تمایز نمودی دیگر که مهمترین آنها استمرار، عادی و تکویری است می‌داند.

۱-۲-۳ نمود ناقص

به ساختار زمانی و درونی موقعیت اشاره دارد و آغاز و پایان عمل را در نظر نمی‌گیرد. در نمود ناقص فعل در فرایندی ممتد و نامقید جریان می‌یابد و در محور زمان قسمتی را به خود اختصاص می‌دهد. از آنجا که در نمود ناقص پایان فعل مشخص نیست این جریان ناتمام می‌ماند. به طور کل ویژگی اصلی نمود ناقص در حال انجام بودن و فاقد نقطه پایانی بودن است.

نمود ناقص خود شامل نمود های استمراری و عادت است، همچنین نمود استمراری خود به دو دسته ی تکویری و غیر تکویری تقسیم می شود.

۱-۱-۲-۳- نمود استمراری

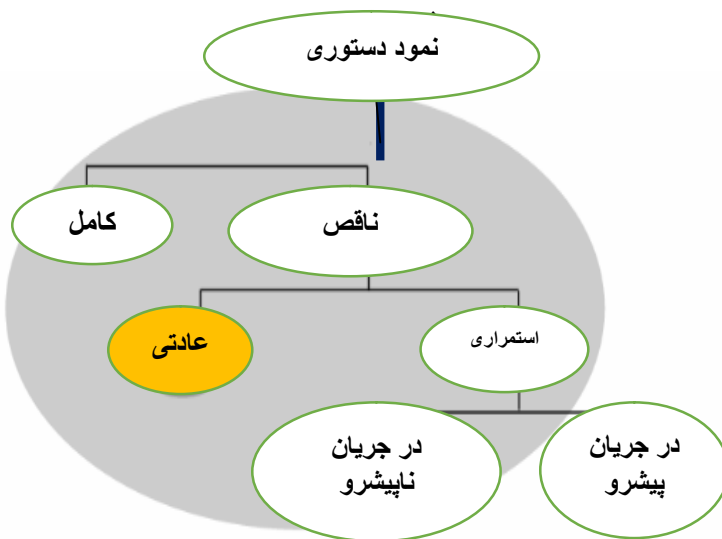
کامری (1976:24) اشاره می کند که نمود استمراری ارجاع مستقیم به ساختار درونی یک موقعیت است. براساس این تعریف موقعیت هایی که ساختار درونی ندارند استمرار آنها نیز منتفی میشود، مثلا نمود استمراری برای افعالی با موقعیت ایستا و افعال لحظه ای غیر قابل تعریف می باشد زیرا نمود استمراری نشان دهنده تداوم فعل در یک دوره زمانی است.

۱-۲-۳- نمود عادت

کامری (همان) نمود عادت را از نمود تکویری جدا می داند گرچه عادت را تکرار یک عمل در یک موقعیت و در یک بازه زمانی می داند اما شرط کافی عادت را تکرار نمی داند. بنابراین مفهوم تکرار از عادت جداست. ویژگی رایج عادت ها تکرار در یک بازه زمانی است. در واقع این بازه زمانی است که تکرار عمل مفهوم عادت را می رساند. معمولا برای نشان دادن نمود عادت در زمان های گذشته و غیر گذشته از قید های زمانی استفاده می شود.

۱-۲-۳- نمود تکویری

کامری (1976:26) نمود استمراری را تکرار پیاپی یک عمل می داند و بر دفعات عمل اشاره دارد و لزوما بر عادت تاکید ندارد. این نوع از نمود ناقص بر خلاف عادت ها الزاما مقید به بازه زمانی نیست اما تکرار شرط اصلی آن می باشد.



طبقه بندی کامری (۱۹۷۶) از انواع نمود دستوری

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش با توجه به رویکرد کامری در مورد نمود ناقص و رویکرد اسمیت در مورد دسته‌بندی انواع موقعیت‌ها در مورد نمود واژگانی به مقایسه رفتار نمود ناقص در سه زیر شاخه استمراری، عادی و تکویری در زبان کردی کله‌ری پرداخته می‌شود.

۴-۱- راهکارهای دستوری بیان نمود ناقص در زبان کردی کله‌ری

زبان کردی یکی از غنی‌ترین گویش‌های موجود است که دارای بیش از چهارده لهجه و گویش می‌باشد. از جمله کردی کرمانجی، کردی سورانی، اورامی (هورامی)، کله‌ری، گورانی، فیلی و لکی. (کشاورز، ۱۳۸۴: ۵)

جغرافیای زبانی گویش کله‌ری را می‌توان از سمت شرق به غرب؛ گردنه اسدآباد همدان تا جلولا در کردستان عراق (نزدیکی بغداد) و از شمال به جنوب؛ بیجار در استان کردستان (سندج) تا جنوب استان ایلام و شهرستان آبدانان، منتهی به کوه‌های کله‌ر دانست. این گویش دارای تنوع لهجه‌های بسیاری است که خود گویای غنا و قدرت این گویش کردی است. (جهان بیگی، ۱۳۸۹: ۳۹).

برخی، گویش کلهری را تنها مختص به ایل کلهر می‌دانند و آن را به مناطقی چون کرمانشاه، ایوان غرب، سرابله، اسلام آباد غرب، گیلانغرب، ماهیدشت، ایلام و خانقین محدود می‌دانند. اما در تمامی جغرافیایی که از آن بحث شد گویش کلهری به کار می‌رود با اندک تفاوتی در آوانویسی (کریمی دوستان، ۱۳۷۹: ۲۷). ساختار این زبان تاکنون بسیار اندک مورد مطالعه قرار گرفته و پژوهش حاضر یکی از نخستین مطالعاتی است که از لحاظ توصیفی - تحلیلی به بررسی این زبان می‌پردازد (کریمی دوستان، ۱۳۷۹: ۲۷).

در زبان کردی کلهری مرز میان نمودهای استمراری، عادتی و تکویری مشخص و قابل تفکیک است. در این زبان نشانه نمود ناقص در زمان حال فعل کمکی (شناسه (dir) قبل از فعل اصلی است.

1) mæryæm dırəd qæza derəs ked

درست می‌کند غذا دارد مریم

مریم دارد غذا درست می‌کند.

از آنجاکه آغاز و پایان فعل مشخص نیست و در مورد پایان فعل اطلاعی داده نشده، پس فعل ناقص است.

نمود استمراری

در زبان کردی کلهری نمود استمراری از لحاظ صوری و از طریق فعل کمکی (شناسه (dir) به اضافه فعل اصلی ساخته می‌شود.

2) mə dırəm nan xəm

می‌خورم غذا دارم من

من دارم غذا می‌خورم.

گاهی نیز نمود ناقص استمراری بدون فعل کمکی (شناسه (dir) ساخته می‌شود.

3) Kar xəm

کار کم

کار می‌کنم.

در اینجا هر دو مورد به زمان حال (مضارع اخباری) اشاره دارد و هر دو به یک موقعیت (تحقیقی) در زمان حال بر می‌گردد، اما به گونه‌ای متفاوت. در جمله اول فعل کمکی که

نشانه وجود نمود استمراری در موقعیت ذکر شده به گونه‌ای اشاره دارد که تاکید بر استمرار انجام عمل دارد و از جمله پایان مشخصی مستفاد نمی‌شود اما جمله دوم که نشانه دستوری استمراری در آن یافت نمی‌شود به موقعیت به طور کلی نگریسته شده است. در کردی کله‌ری در زمان گذشته نمود استمراری از طریق فعل کمکی (daftən «داشتن») قبل از فعل اصلی می‌آید.

4) daftəm nan xərdəm yəhu dənɪg fənæftəm

شنیدم صدایی یکپه‌می‌خوردم غذا داشتم
داشتم غذا می‌خوردم که یکپه‌ صدایی شنیدم.

اما فعل کمکی داشتن که نشانه نمود استمراری در زمان گذشته است بر خلاف زمان حال قابل حذف شدن نیست. در واقع با حذف شدن فعل کمکی با وجود آنکه جمله از لحاظ دستوری نادرست نیست اما از لحاظ معنایی به استمرار عمل اشاره‌ای ندارد و فقط برای بیان رویدادی در زمان گذشته می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

5)*nan xərdəm yəhu dənɪg fənæftəm

شنیدم صدایی یکپه‌می‌خوردم غذا
غذا می‌خوردم که یکپه‌ صدایی شنیدم.

نمود عادت‌ی

نمود عادت‌ی بیانگر عادت داشتن به عملی خاص است. در کردی کله‌ری معمولاً قید /hæ/ (همیشه) به همراه قیود زمانی و مکانی در صورتی که جملاتی با لحن اطلاعی و نه تأکیدی بیان شود میتواند نشانگر نمود عادت‌ی می‌باشد.

6) mə hæ læ ɪræ xæfəm

می‌خواهم در اینجا همیشه من
من همیشه همینجا می‌خواهم.

برای درک تفاوت میان نمود استمراری و عادت‌ی می‌توان با افزودن فعل کمکی به جمله‌ای که دارای این قید است آن را به آزمون بگذاریم.

7)*mə hæ dɪrəm læ ɪræ xæfəm

می‌خواهم در اینجا دارم همیشه من
من همیشه دارم همینجا می‌خواهم.

در اینجا میبینیم که جمله از لحاظ دستوری و کاربردی نادرست است، در واقع نمود عادتی در این زبان بدون داشتن فعل کمکی ساخته می‌شود و تفاوت آن با نمود استمراری نیز در همین است، اما معنای ناقص بودن بدان جهت که فعل آغاز و پایانی ندارد از آن مستفاد می‌شود.

نمود تکویری

نشانه نمود تکویری در زبان کردی کلهری وجود قیود تکرار قبل از فعل اصلی است، این زبان برای نمود استمراری همانند نمود عادتی فعل کمکی معینی ندارد.

8) sæd dəfæ æraɪ ʔæli dɪrəm tuzɪ dəm wæli yə dəfɪf guɟ nəd

نمی‌کند گوش بار یک ولی می‌دهم توضیح علی برای بار صد
صد بار است که برای علی توضیح می‌دهم ولی یکبار هم گوش نمی‌کند.

می‌توان با منفی کردن نمود تکویری آن را از عادتی متمایز کرد، در واقع نمود تکویری در زبان کردی کلهری می‌تواند منفی شود اما نمود عادتی این قابلیت را ندارد.

9) ʔæli pən ruʒæ wæ mədræsæ nəʒud

مدرسه نمی‌رود روز ۵ علی
علی پنج روز است که به مدرسه نمی‌رود.

پس به طور کل می‌توان گفت نمود ناقص در زبان کردی کلهری به طبق رویکرد کامری به راحتی قابل تفکیک و توجیهات وی در این زبان قابل قبول است اما از آنجاییکه نمود استمراری به عنوان گونه رایج نمود ناقص شناخته شده است ارتباط این نوع نمود را در اینجا با نمودهای موقعیتی شناسایی و تحلیل خواهیم کرد.

۵- رابطه میان نمود ناقص و موقعیت‌ها در کردی کلهری

در کردی کلهری لحظه‌ای‌هایی که در حال وقوع اتفاق می‌افتند نقطه‌ی آغاز و پایان آن‌ها یکی است، آن‌ها استمراری نمی‌شوند. البته در زبان کردی کلهری می‌توان آن‌ها را استمراری کرد اما به عنوان فعالیتی‌های چند رخدادی شناخته می‌شود.

10) ʔæli yə satæ dɪrəd dərægæ tægənd

زدن در دارد ساعت یک علی
(لحظه‌ای) علی یه ساعته که داره در میزنه.

از آنجاییکه در ایستایی تغییر حالت وجود ندارند و غیر پویا هستند نمی‌توانند استمراری شوند.

11)* masgæ dɪrəd t çor bûd .

(ایستایی) چرب می‌شود دارد ماست

ماست دارد چرب می‌شود.

دستاوردی‌ها (حصولی‌ها) به طور مطلق نمی‌توانند استمراری شوند زیرا آنی هستند ولی در صورت استمراری شدن بر مراحل اولیه رخداد تمرکز دارند.

12) *gələgan dıran çəgan*

گل ها جوانه زدن دارند

(دستاوردی) گل‌ها دارند جوانه می‌زنند

تحقیقی‌ها در صورت استمراری شدن نوع موقعیت آن‌ها به فعالیتی تغییر می‌یابد.

13) *mææryæm dırad zærfəgan fərəd*

شستن ظرف‌ها دارد مریم

(تحقیقی) مریم دارد ظرف‌ها را می‌شورد.

در واقع می‌توان گفت وجود نشانه استمراری با افعال مختلف سبب تغییر نوع موقعیت آن‌ها می‌شود و به عبارت دیگر نشانه استمراری در این زبان نوعی نمود گردانی^۲ است.

جدول ۴-۱- نمود ناقص در زمان گذشته کردی کلهری

نوع موقعیت	در سطح واژه	در سطح جمله
فعالیتی	<i>dæwi:n</i> (دویدن)	<i>ʔæli: da:ft dæwi</i> دوید داشت علی علی داشت می‌دوید. (فعالیتی ناقص)
لحظه‌ای	<i>dær tæqa:nən</i> (در زدن)	<i>ʔæli: da:ft dærægæ tæqa.n.</i> می‌زد در داشت علی. علی داشت در می‌زد. (فعالیتی تکراری)
دستاوردی	<i>b3:dən</i> (بردن)	<i>ʔæli: da:ft b3:dəu</i> می‌برد داشت علی علی داشت می‌برد (به فاز آغازین رخداد تاکید دارد)
ایستایی	<i>fa:mi:n</i> (فهمیدن)	<i>mæɾjæm da:ft mæni: qəsi:lə mə fa:mi: .</i> فهمید من حرف‌های معنی داشت مریم

مریم داشت معنی حرف‌های من را می‌فهمید. (تغییر حالت)		
mærjæm dɑ:ft qæza: dæres kɜ:d . کرد درست غذا داشت مریم مریم داشت غذا درست می‌کرد. (تحقیقی ناقص)	qæza: dæres kɜ:d ən (غذا درست کردن)	تحقیقی

جدول ۴-۲- نمود ناقص در زمان حال با فعل کمکی استمراری ساز در کردی کلهری

نوع موقعیت	در سطح واژه	در سطح جمله
فعالیتی	fəna: kərdən (شنا کردن)	?æli: dɪrəd fəna: keɪd. می‌کند شنا دبرد علی علی دارد شنا می‌کند.
لحظه‌ای	çəfmæk dɑ:n (چشمک زدن)	mærjæm dɪrəd çəfmæk deɪd . می‌زند چشمک دارد مریم (فعالیتی تکراری) مریم دارد چشمک می‌زند.
دستاوری	bɜ:dən (بردن)	?ɪmæ dɪrɪm beɪmu:. می‌بریم داریم ما ما داریم می‌بریم. (به فاز آغازین رخداد تاکید دارد)
ایستایی	fɑ:mi:n (فهمیدن)	mə dɪrəm e məsælə fɑ:məm. می‌فهمم مساله این دارم من من دارم این مساله را می‌فهمم. (تغییر حالت)
تحقیقی	çɑ:p kɜ:dən (چاپ کردن)	?æli: dɪrəm kətɑ:wgə çɑ:p keɪd. می‌کند چاپ کتابش دارد علی (تحقیقی) علی دارد کتابش را چاپ می‌کند.

جدول ۴-۳- نمود ناقص در زمان حال بدون فعل کمکی در کردی کلهری

در سطح جمله	در سطح واژه	نوع موقعیت
<p>ʔæli: ʃəna: keɪd. می‌کند شنا علی علی شنا می‌کند. (فعالیتی ناقص)</p>	<p>ʃəna: keɪd ən (شنا کردن)</p>	فعالیتی
<p>mærjæm ʃəʃmæk deɪd . می‌زند چشمک مریم مریم چشمک می‌زند. (فعالیتی تکراری)</p>	<p>ʃəʃmæk dɑ:n (چشمک زدن)</p>	لحظه‌ای
<p>ʔimæ beɪmow. می‌بیریم ما ما می‌بیریم. (به فاز آغازین رخداد تاکید دارد)</p>	<p>bɜ:dən (بردن)</p>	دستاوری
<p>mə dʒo:wa:w məsælægæ za:nəm . می‌دانم مساله جواب من من جواب مساله را می‌دانم. (ایستا)</p>	<p>za:nəsən (دانستن)</p>	ایستایی
<p>ʔæli: kətɑ:wægə ʃɑ:p keɪd. می‌کند چاپ کتابش علی علی کتابش را چاپ می‌کند. (تحقیقی ناقص)</p>	<p>ʃɑ:p kɜ:d ən (چاپ کردن)</p>	تحقیقی

۶- بحث و نتیجه گیری

در زبان کردی (کلهری) تمایز میان گونه‌های نمود ناقص آشکار است و می‌توان با آزمون‌های مختلف به اثبات رسانده شده، نمود ناقص دارای سه گونه استمراری، عادتی و تکویری می‌باشد و از آنجایی که نمود استمراری گونه شناخته شده نمود استمراری است این گونه از نمود به صورت مفصل در این تحقیق در موقعیت‌هایی که توسط اسمیت (۱۹۹۷) دسته بندی شده اند مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند. نشانه نمود استمراری فعلی کمکی (dir (? همراه فعل اصلی است اما بدون فعل کمکی نیز ساخته می‌شود با این تفاوت که حوزه‌ی زمانی فعل نیز تغییر می‌کند. از آنجایی که تعیین نمود دیدگاهی یا دستوری وابسته به زمان است باید هریک از نمودهای ناقص و کامل را در قالب زمان تعریف کرد. نمود دیدگاهی ناقص در زبان کردی کلهری دو زمان گذشته و حال موجود است. نمود دیدگاهی کامل در زمان گذشته موجود است و نمود دیدگاهی ناقص هم در زمان حال و هم در زمان گذشته وجود دارد. نشانه نمود دیدگاهی کامل در زمان گذشته تکواژ صفر است اما نشانه نمود ناقص یا استمراری در زمان حال فعل کمکی (شناسه dir) و در زمان گذشته (شناسه da:ft). افعال در زمان حال فقط دارای نمود دیدگاهی ناقص هستند و افعال زمان گذشته دارای دو نمود دیدگاهی ناقص و کامل هستند. افعال زمان حال نمی‌توانند دارای نمود کامل باشند زیرا استمرار یا در حال انجام بودن موقعیت را نشان می‌دهند. در خصوص رابطه‌ی میان نمودهای موقعیتی و نمود دیدگاهی می‌توان گفت تمام موقعیت‌ها در زمان گذشته می‌توانند دارای نمود کامل و ناقص باشند، اما موقعیت‌های نمودی در زمان حال فقط دارای نمود دیدگاهی ناقص هستند. البته برخی از افعال نمی‌توانند دارای نمود دیدگاهی ناقص باشند مگر آنکه دچار تغییر نمود شوند. در زمان گذشته افعال ایستا با استمراری شدن دچار تغییر حالت می‌شوند، افعال دستاوردی با استمراری شدن به فاز آغازین رخداد اشاره دارند، لمح‌های‌ها با استمراری شدن نمودشان به فعالیت تکراری تغییر می‌یابد و افعال فعالیت و تحقیقی هریک به ترتیب دارای نمود فعالیت ناقص و تحقیقی ناقص می‌شوند. در زمان حال نیز افعال ایستا بسته به فعل با پیشوند استمراری ویژگی پویایی می‌گیرند و تغییر حالت می‌دهند، لمح‌های‌ها نیز با استمراری شدن به تک رخداد دلالت ندارند و بیانگر استمرار تک رخداد می‌باشند، در واقع نمودشان به فعالیت تکراری تبدیل می‌شود. دستاوردی‌ها با استمراری شدن به فاز آغازین موقعیت تمرکز می‌یابد، افعال فعالیت نمودشان به فعالیت ناقص و افعال تحقیقی نمودشان به تحقیق ناقص تغییر می‌یابد.

منابع

- امانی بابادی، مریم، رضایی، والی. ۱۳۹۲. (نمود دستوری در گویش لری بختیاری). مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، ش ۱۴۵-۳.
- ابوالحسنی چیمه، زهرا. ۱۳۸۳. (پژوهشی در فعل‌های نمودی در زبان فارسی). مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبانشناسی. ۱۳۸۳، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، جلد ۱.
- جلیلیان، عباس، (۱۳۸۵) فرهنگ کردی باشور. پرسمان.
- جهان بیگی، فرهاد. ۱۳۸۹. کردها و تقسیم‌بندی زبانی، میدیا، شماره سوم.
- خانلری، پرویز (۱۳۶۶) دستور زبان فارسی، توس.
- رحیمیان، جلال (۱۳۸۶ الف) «فعل مرکب در زبان فارسی»، مجله زبانشناسی، ش ۲۳-۲۴، ص ۳۱-۴۶.
- رضایی، والی. ۱۳۹۱. (نمود استمراری در فارسی معاصر). مجله فنون ادبی، شماره چهارم. ۱۴-۱
- مجیدی، مریم (۱۳۸۸) «جلوه‌ها و کارکرد نمود در زبان فارسی»، فصلنامه علمی پژوهشی. پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره پانزدهم، صفحات ۱۴۵-۱۵۸.
- شریعت، محمد جواد (۱۳۶۴) دستور زبان فارسی، انتشارات اساطیر.
- شفایی، احمد (۱۳۶۳) مبانی علمی دستور زبان فارسی، انتشارات نوین.
- عمرانی، عمران (۱۳۷۹) دستور زبان شناسی ۱، تهران، انتشارات سمت
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۳). فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی، انتشارات سروش.
- قریب، عبدالعظیم و همکاران (۱۳۷۳) دستور زبان فارسی (پنج استاد) به اهتمام جهانگیر منصور، انتشارات ناهید.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۸۳) دستور زبان فارسی از دیدگاه رده شناسی، ترجمه مهدی سمایی، نشر مرکز.
- نغزگوی کهن، مهرداد. ۱۳۸۹. (افعال معین و نمایش نمود در زبان فارسی)، ادب پژوهی، ش. ۱۴.
- _____ اسفند. (بررسی فرایند دستوری‌شدگی در فارسی جدید)، ویژه نامه فرهنگستان (دستور)، ش. ۴: ۱۵.
- والی، رضایی. بهار و تابستان. ۱۳۹۱. (نمود استمراری در فارسی معاصر). فنون ادبی. ۶
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۳) «فعل‌های لحظه‌ای، تداومی، لحظه‌ای - تداومی»، مجله زبانشناسی، سال نهم، ش ۲، ص ۷۵-۷۰
- Comrie, B (1977). *Aspect*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Rahimian, J. (2010). Contrastive Analysis of Aspectual Oppositions in English and Persian. *Iranian Journal of Applied Language Studies*, 2(2), 133-166.
- Smith, C. S. (1997). *THE PARAMETER OF ASPECT*. Texas: Kluwer Academic Publishers.
- Vendler, Z. (1957). *Verbs and Times*. *Philosophical Review*, LXVI: 143-160.
- Vendler, Z. (1967). *Linguistics in Philosophy*. Ithaca and London, NY: Cornell.
- Lyons, J. (1977). *Semantics (Volume 2)*. London and New York: Press.
- Dowty, D.R. 1979. *Word meaning and montague grammar*. Dordrecht Reidel.
- Johnson, M. (1981). A unified temporal. *Syntax and Semantics*, 145-71.
- Langacker, R. W. (1982). Remarks on English Aspect. In P. J. Hopper, *Tense-Aspect: Between Semantics and Pragmatics* (pp. 265-304).
- Givon, T. (2001). *Syntax (Volume 1)*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company. *Linguistic Theory*, 347-385.
- Travis, d. L. (2010). *Inner Aspect: The Articulation of vp*. London and New University Press.
- Swart, H. d. (1999). *Tense and Aspect in Sentence and Discourse*. France.
- Croft, W. (2012). *Verb: Aspect and Causal Structure*. New York: Oxford
- Verkuyl, H. J. (2005). *PERSPECTIVES ON ASPECT*. Netherlands: Published by Springer.
- Frawley, W. (1999/2009). *Linguistic Semantics*. New York and London.
- Davidson, D. (2001). *Essays on Actions and Events*. Oxford: Clarendon